



ضرورت توجه به نقش علم صائب و عمل صالح در تفسیر انسان

هویت انسان متکامل، عصاره علم صائب و عمل صالح است. چنین ساختاری که جامع عقل نظری و عقل عملی است...

هویت انسان متکامل، عصاره علم صائب و عمل صالح است. چنین ساختاری که جامع عقل نظری و عقل عملی است، بدون آگاهی از معارف حکمت نظری و مطالب حکمت عملی نیست و تفسیر انسان راستین، بی‌اشارت به جهت معرفت و به سمت معدلت، میسر نیست، پس لازم است عنایت شود که تفسیر انسان به انسان همراه با هدایت علمی و رهبری عملی است که ظاهراً رهنمود علمی آن به عهده عقل نظری و راهبرد عملی آن در اختیار عقل عملی است؛ لیکن این دو راهنمای یاد شده دو شأن از شئون هویت واحد و حیات فارد انسان است که وی عهده‌دار تفسیر صحیح خود از راه علم و عمل است و نباید جریان هدایت را از ساحت تفسیر یاد شده خارج پنداشت، زیرا راهنمایی عقل همراه تبیین، تعلیل، توجیه و تحریر یافته‌های حس و خیال و وهم و نیز خواسته‌های شهوت و غضب است.

هرچند پرداختن به فروع جزئی تزکیه و خودسازی، در تبیین هویت انسان مطرح نبوده و لازم نیست، تفسیر انسانیت متکامل، بدون طرح مسائل تهذیب، تبیین تام هویت او نخواهد بود، زیرا نه مبتلا به جهل علمی انسانی متکامل است و نه آلوده به جهالت عملی، پس کسی انسان واقعی است که از آسیب سفاهت علمی و گزند حماقت عملی مصون، و به زیور معرفت صحیح و زینت معدلت صالح آراسته باشد.

تفسیر انسان به انسان، ص 52 .